

حدیث ایران و فارسی در شعر ضیاء محمد ضیاء

عظمی زرین نازیه*

چکیده:

در سرزمین شبه قاره آثاری که از شعرای شبه قاره باز مانده اند تحت تاثیر شعرای ایرانی و فرهنگ ایران است. ضیاء محمد ضیاء سه تا مجموعه شعری ارمغان پاک، کاروان فارسی و نوای شوق دارد. در این مقاله نمونه هایی از تحسین و تمجید شعرای ایرانی از ضیا تفسیر و تحلیل شده است. ضیاء نه فقط شعرای کلاسیک ایرانی بلکه از شعرای معاصر نیز تحسین و تمجید کرده است مانند سیمین بهبهانی و محمد تقی بهار. باید گفت که این مقاله در ضمن تمجید و تکریم ایران یک مقاله خوبی خواهد شد.

واژه های کلیدی: ضیاء، شبه قاره، ایران، فارسی زبان.

*استاد یار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان

ضیاء محمد فرزند حکیم عبدالرسول قریشی متخلص به "ضیا"، شاعر فارسی گوی پاکستانی در ۱۳۴۸ ق/ ۱۹۲۸ م، در اطراف کنجاہ، بخش گجرات. ایالت پنجاب پاکستان فعلی در روستایی به نام "چوہامل (Chohamal)" به دنیا آمد. (ضیاء: ۱۹۷۷ م، ص ۲۱؛ عبدالرشید: ۱۹۶۷ م، ص ۲۲۱؛ اوج، نعت نمبر ۵۱۸/۱) ضیا تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش از استاد معروف مولوی محمد حسن فراگرفت. سپس در سال ۱۹۴۳ م از دانشگاه پنجاب لاهور مدرک منشی فاضل گرفت و به تدریس فارسی پرداخت. نخست در دبیرستانهای غیر انتفاعی به عنوان دبیر شروع به کار کرد؛ ولی بعد از ۱۹۵۳ م در دبیرستانهای دولتی به کار پرداخت. (ضیاء: ۱۹۷۷ م، ص ۲۱) و تا ۱۹۸۷ م در دبیرستان دولتی "پسرور" تدریس کرد و سپس شغل تدریس را رها کرد و فقط به تصنیف و تالیف پرداخت. ضیا از شاعران برجسته فارسی پاکستان است. آثار مختلف منظوم و منثور ضیا به شکل کتاب مستقل و در مجله های ادبی پاکستان و ایران به چاپ رسیده است.

آثار منظوم :

۱۔ ارمغانِ عشق:

نخستین مجموعه نعت ضیا به زبان فارسی با مقدمه مفصل "خواجہ عبدالحمید عرفانی" و اقتباس از مکتوب حضرت فضل اللہ شرقی، مدیر روزنامہ معروف، پارس (شیراز) در لاهور در ۱۹۷۰ م در ۸۰ صفحہ چاپ شد. درین مجموعه ضیا فقط نعت های او درج است. در آخر کتاب قطعہ تاریخ چاپ از ضیا نیز درج است:

ارمغانِ عشق چون گردید طبع شد "ضیا" بالطفِ ایزد سرفراز

گفت سال طبع در هجری سروش ذکر عشق و ارمغان دلنواز
= ۱۳۹۰ هـ = ۱۳۹۰ هـ
(ضیاء: ۱۹۷۰ م، ص ۸۰)

۲- کاروان فارسی:

دومین مجموعه شعر فارسی ضیا که در ۱۹۷۵ م در ۲۴ صفحه چاپ شد. این کتاب در واقع داستان يك مهمانی باشکوه است که از طرف آقای عبدالحمید عرفانی به دانشمندان ایرانی داده شد. دکتر محمد حسین تسبیحی کتابدار کتابخانه گنج بخش، دکتر جعفر محجوب، مسئول خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد، دکتر عبدالله مظاهری، دکتر علی اکبر جعفری، مسئول مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، پاکستان، مهمانان این مهمانی بودند. ضیا حکایت این مهمانی را در قصیده، قطعه و مثنوی تحت عنوان های زیر بیان کرده است: مکتوب عرفانی، روز تاریخی، ترانه خیر مقدم، خطاب به مهمانان عزیز، دیدار آثار تاریخی شهر سیالکوت، مهر مزار ملا عبدالحکیم سیالکوتی، زیارت از مولد علامه اقبال لاهوری، مصاحبه با آقای تسبیحی، مجلس یادگاری، آقای عرفانی سخن آغاز کرد، خطابه دکتر علی اکبر جعفری، حرف محبت، قطعه ها و کاروان فارسی مراجعت کرد.

۳- نوای شوق:

سومین مجموعه شعر فارسی ضیا، با مقدمه مفصل خواجه عبدالحمید عرفانی (۱۹۰۷-۱۹۹۰ م) و شرح احوال از دکتر سید سبط حسن رضوی (۱۹۲۷-۱۹۹۷ م) نویسنده "فارسی گویان پاکستان" ۲ جلد (چاپ ۱۹۷۴ م) در اسلام آباد، در ۱۹۷۷ م، در ۱۹۲ صفحه چاپ شد. این مجموعه پنج

بخش دارد :

۱- قصاید، ۲- غزل ها، ۳- مثنوی ها، ۴- قطعات ترانه های میهنی - ماده تاریخ ها، ۵- متفرقات.

دو بیتی و تک بیت ها، ضیا درباره موضوعات مختلف مانند دوستی ایران و پاکستان، میهن پرستی و اهمیت فارسی، شعر سروده است.

در جمع آوری مجموعه ها گلدسته نعت و حمد و مناجات نیز ضیا به عنوان مرتب سهیم بوده است. او کتابهایی مانند "موج صبا"، نوادرات سخن، کلام نفیس، اقبال ایران، اقبال عرفانی و خزینه معارف نیز مرتب کرده (اوج، نعت نمبر ۵۱۸/۱) يك مقاله مفصل ضیا راجع به مثنوی ارژنگ عشق، سروده زیرك کلاتوری که در ۱۳۷۷ هـ ق چاپ شد، در جلد اول کتاب دکتر محمد باقر، "پنجابی قصه فارسی زبان میں" (قصه های پنجابی به زبان فارسی) به زبان اردو چاپ شده است (۱). (ضیاء: ۱۹۷۷م، ص ۲۲)

ضیا در بچگی، به زبان شیرین فارسی علاقه داشت و به فارسی شعر می سرود. در آغاز "سید اولاد حسین شادان بلغرامی" سرودهایش را اصلاح می کرد که بعدها سروده های ضیا را بی نیاز از اصلاح قلمداد کرد. شعر وی جنبه اخلاقی، ملی و اجتماعی دارد. دکتر خواجه عبدالحمید عرفانی درباره شعر ضیا نوشت:

"شاعر شیرین زبان و فارسی سرای پاکستان آقای ضیا محمد ضیا، یکی از مشعل برداران بزرگ سخن و شعر فارسی قدیم و جدید، یعنی قصیده و غزل و دوبیتی به سبک های خراسانی و عراقی و اشعاری به سبک اقبال می باشد" (همو، همان، ص ۲۱).

می توان گفت که سبک وی سبک پاکستانی است. او علاوه بر قصیده، غزل و دوبیتی، قطعه، ترکیب بند و ترجیع بند نیز سروده است. ضیا عاشق و پیرو

کلام سعدی و حافظ است، رومی، جامی و عطار را نیز ستوده و آرزو کرده است که مانند آن اُستادانِ بزرگ شعر بسراید. به عنوان مثال در منظومه «شیراز» حافظ و سعدی را دو گنج شایگان گفته است و سبب شهرت شیراز نیز قرار داده است.

بیاشد صحبتِ سعدی و حافظ سکونِ بخشِ دل دیوانه‌ما
به گیتی نامور شد شهرِ شیراز ازین دو شاعرِ فرزانه‌ما
و همینطور درباره‌ی جامی و عطار گفته است:

ز رومی و جامی و عطار گوی همان حرفِ شیرین به تکرار گوی
(ضیاء: ۱۹۷۷م، ص ۱۸۰)

ضیا از خانواده عالم و دین دار است. علاوه بر موضوعاتِ دیگر گرایش خاصی به نعت پیامبر داشت. هنوز بچه کم سن بود که به نعت سرودن آغاز کرد. عبدالحمید عرفانی در معرفی کتاب نغمه عشق درباره نعت سرایی وی نوشته است: شاعرِ درویش و روشن دل که یکی از دهاتِ دور دستِ زندگی می کند، سینه اش با ضیای عشقِ پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روشن است. نغمه عشق را بازبان بسیار شیرین و رسا یعنی زبانِ فارسی سروده است.

(ضیاء، محمد ضیاء: ۱۹۷۰م، ص)
شاعرم مانند بلبل نغمه خوانی می کنم در صلواتش با ملایک هم زبانی می کنم
(ضیاء: ۱۹۷۰م، ص ۲۶)

وی نغمه سرایی می کند:

می سرایم نغمه مدحِ شه کون و مکان آن امام انبیا آن مقتدایِ ارسلان
ضیاء می داند که نعت سرایی یک موضوع خیلی ظریف است.

علاوه بر محاسنِ دیگر شعری، واژگان و ترکیباتِ عربی و تلمیحاتِ آیات

قرآنی و احادیث نبوی نیز در شعروى دیده مى شود. به عنوان مثال:
آنکه اندر شانِ او قد جاء کم فرمود حق آنکه برما کرد را ز کنت کنزاً را عیان
(همو، همان، ص ۱۸)

درین بیت اشاره به آیت ۱۷۰ سوره النساء، پاره ۶ است:
يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ.

ضیاء در سرودن شعر فارسی چنان دسترس داشت که ایرانیان نیز از انتخاب
واژگان و تراکیب نوین و موزونی کلام حیران می ماندند و تحسین می گفتند. ضیاء
چون غزل می سراید، بیشتر مضامین عشقی دارد، سراپای نگار، فریادِ عاشق و همان
موضوعات که معمولاً در نوع غزل دیده می شوند او هم دارد. به عنوان نمونه چند
تا بیت از غزل ضیاء در زیر درج می شوند.

نگارِ من که دلدار و حسین است بُتِ مه طلعت و زهره جبین است
به حالِ عاشقان دارد نگاهی دلِ پُر مهرِ او خالی ز کین است
قیامت راست همتا قامتِ او خرامِ ناز و حشر آفرین است
ز جسمِ مرمرینِ وی چه گویم که نازك تر ز برگِ یاسمین است
(ضیاء: ۱۹۷۷م، ص ۸۷)

هر سه مجموعه شعرِ ضیاء نشانگرِ عشق و ارادتِ وی نسبت به ایران زمین و
شعرايِ ایران است. دکتر محمد حسین تسبیحی در پیشگفتارِ ”نوايِ شوق“ درباره
عشقِ ضیاء نسبت به شعر و زبان فارسی می گوید:

”در چهره و چشمانش نگرستم، شوق و عشقِ فراوان به شعر و زبان و ادب
فارسی در او یافتم. با کلام و بیانِ دلنشین فارسی درباره ایران و دانشمندانِ آن مرز و
بوم سخن می گفت و آنقدر خویشتن را واله و شیدای شیراز و شیرازیان و ایرانیان

نشان می داد“. (ضیاء: ۹۷۷م، ص ۳)

درست است که او ایران نرفته بود ولی با چشمان دل ایران را قشنگ دیده بود. ضیاء آرزوی شدیدی رفتن به ایران داشت. چند تا منظومه که تصویر خیال زیبایی از مسافرت خیالی وی است زیر عنوان شیراز، ایران و آهنگ خراسان و غیره، در محبت ایران سروده است.

منظومه ایران کاملاً يك سفر خیالی است. ضیاء می گوید که من به ایران رسیده ام. اصلاً احساس غربت نمی کنم چون ایران میهن ثانی ما است. سخن از شهر شیراز می کند و می گوید، ما تشنه کام بودیم و چنان احساس می شود که در کنار آب حیوان آمده ایم. بی شک این منظومه نشانگر آرزوی وی به مسافرت ایران است. به عنوان مثال چند بیت از منظومه ایران:

ماز پاکستان به ایران آمدیم	از گلستان در گلستان آمدیم
تا دلِ مهجور را تسکین دهیم	از پی دیدار یاران آمدیم
میهن ثانی است ما را این دیار	گویی در ارض عزیزان آمدیم
آمدیم از کشور اقبال ما	از دیار سعد سلمان آمدیم
نسبتی داریم با شیراز هم	ما که از لاهور و ملتان آمدیم
بلبل شیراز نغمه ساز کن	ما به بزم تو غزل خوان آمدیم
شد علاج تشنه کامی های ما	چون کنار آب حیوان آمدیم

(ضیاء ۹۷۷م: ص ۵۵)

این عقیدت و محبت و احترام نسبت به ایران در سراسر شعرش دیده می شود.

منظومه ای دیگر زیر عنوان شیراز چنین است:

به خاک افتاده شیراز هستم غبار جاده شیراز هستم

به سردارم خماری از می پارس خرابِ بادِ شیراز هستم
محبت آن چنان دارم بدان شهر تو گویی زاده شیراز هستم
به شوخی های خود نازم که شیدا به حسن سادِ شیراز هستم
به مهرش آنچنان پیوست جانم که من دلدادِ شیراز هستم
ضیاء شاید رسم آنجا که هر دم
سفر آمادِ شیراز هستم

زهی این خطه جانانه ما که باشد کعبه و بت خانه ما
دو گنج شایگان پنهان به خاکش چه آبادست این ویرانه ما
بباشد صحبتِ سعدی و حافظ سکون بخشِ دلِ دیوانه ما
به گیتی نامور شد شهرِ شیراز ازین دو شاعرِ فرزانه ما
خوشا حافظ که با صهبایِ عرفان دما دم پُر کند پیمانه ما
سخن های خرد آموزِ سعدی فزاید جرأتِ رندانۀ ما
الهی شاد و خرم باد شیراز همیشه فارغ از غم باد شیراز
(ضیاء: ۱۹۷۷م، صص ۵۳-۵۴)

انتهای محبت شیراز است که ضیاء خودش را غبارِ جاده شیراز می گوید و
وقتی اسم استادانِ بزرگِ سعدی و حافظ می برد هر دو را ”گنج شایگان“ می نامد و
هر دو را شاعرِ فرزانه می گوید. این منظومه زیبایِ ضیاء در ”روزنامه پارس شیراز“
شماره چاپ شد و مدیر روزنامه پارس شیراز آقای فضل الله شرقی بر نوشته ضیاء
تحسین گفتند: ”ضیاء نامه ای که به نام مدیر این روزنامه نگاشته اند که از عشق و
علاقه ایشان به شیراز و مردم این دیار حکایت می کند ما عین نامه گوینده گرانمایه
پاکستانی را که رنگی از صفا و بویی از عشق دارد و بسیار خوب سروده شد در پاس

چاپ می کنیم“. (ضیاء: ۱۹۷۷م، ص ۱۳۷)

ضیاء بار دیگر يك نامه منظوم در پاسخ مکتوب آقای فضل الله شرقی نوشت :

چه خوش بختم چه فرخنده نصیبم که آمد قاصد از کوی حبیبم
 بیاورد از می شیراز جامی رساند از حضرت شرقی پیامی
 پیامی کز صمیمیت نشان است ز شهر حافظ جادو بیان است
 پیامی کز مودت یادگار است ز شهر سعدی معجز نگار است
 بر حال خود نو اسنچ فغانم که دور از صحبت صاحب دلانم
 (ضیاء، ۱۹۷۷م، ص ۱۳۸)

فقط سر زمین ایران و شهر های ایران یا متقدمین را نمی سراید بلکه منظومه ای زیر عنوان ”حدیث فارسی“ سروده است که کلاً در ستایش زبان شیرین است . این منظومه ضیاء که در واقع قصیده زبان فارسی است هم در ”روزنامه پارس شیراز“ شماره ۳۲۹۸ چاپ شد :

شد جهان پُر از طنین فارسی هست عالم خوشه چین فارسی
 تشنگان را سلسبیل کوثر است چشمه ماء معین فارسی
 از دُر و لعل و گهر پنهان بود گنج ها در آستین فارسی
 هست روشن تر ز روی ماهتاب چهره ماه مبین فارسی
 مغز جانها را معطر می کند بوی جعد عنبرین فارسی
 نکته های پُر بها دریافتم از زبان گوهرین فارسی
 اهل عالم را سخن آموختند نغز گویان فطین فارسی
 (همو، همان، صص ۶۶-۶۷)

این شاعر پُر گو ، در منظومه چهل و چهار بیت صهبای سخن، تقریباً اسامی

کُلّ شعرائِ متقدمین ایران برده است که نشانگرِ چیره دستی و هنرمندی شاعر بر زبان ادبِ فارسی است :

ز صهبای سخن سرشار هستم	ز جامِ رومی و عطار مستم
مرا سازست از فریاد لبریز	سرایم نغمه ها از روم و تبریز
دلی دارم فدایِ نامِ حافظ	چشیدم جُرحه ها از جامِ حافظ
نشستم سالها بر خوانِ سعدی	بسی گُل چیدم از بستانِ سعدی
خرد اندوختیم از "منطق الطیر"	صفا آموختیم ز اقوالِ بوالخیر
شدم رو تـازـه از فیض	مرا جام از محبت داد جامی
مرا شعرِ عراقی جسم و جان سوخت	فغانی در دلم صد شعله افروخت
ز خاقانی و فردوسی و خیام	مرا در گوشِ جان آید صد الهام
ثنا خوان بهار و دهخدایم	به طرز ایرج و پروین فدایم
نظیری، هاتفی، بیدل، رضایی	ابوالفضل و ظهوری و علایی

(همو، همان، صص ۱۴۴-۱۴۶)

ضیاء به شخصیتی بزرگ و شاعرانِ معروفِ معاصرِ ایران خانم سیمین بهبهانی را نیز تحسین گفته است. دو تا منظومه "هدیه سپاس" و "ارمغانِ تشکر" برای خانم سیمین سروده است. سیمین مجموعه ابیاتش "جای پا" به ضیاء به عنوان هدیه فرستاده بود. ضیاء منظومه ای زیر عنوان ارمغانِ تشکر به خدمتِ ملکه معانی خانم سیمین بهبهانی سرود:

تعالی اله چه خوش روز است امروز که بختم شاد و فیروز است امروز
 نهال آرزویم بارور شد لبم از بادِ مقصود تر شد
 کتابی دسته گل ماهی رنگین کتابی دفترِ اوراقِ زرین

کتابی مخزنِ افکارِ سیمین حسین مجموعه اشعارِ سیمین
ز میوه های شیرین تازه خوانی ز قندِ پارسی خوش ارمغانی
جبین بر ”جای پای“ وی نهادم به خاکِ بندگی بیخود فتام
کلامت شرح غمهای نهان است کلامت درد دلها را بیان است
(همو: ۱۹۷۷م، صص ۱۴۰-۱۴۳)

سروده دوم ”هدیه سپاس“ است. چون خانم سیمین بهبهانی مجموعه دوم
ایاتش به ضیاء فرستاد، ضیاء در تشکر از هر دو مجموعه آورد و شعرِ شاعر، درد آشنا
و شاعرِ فکر بکر را بر مجموعه زیبا و بدیع و برتر از گنج زر می گوید:

ساقی من کرد باده باز در ساغر مرا باز کام خشک شد امروز از می تر مرا
کاسه دیگر مرا بخشید و می داند که هست نشه صهبایِ شعر فارسی در سر مرا
سرفرازم کرده بود از جایِ پا زین و پیشتر کرده اکنون مفتخر با هدیه حرم مرا
نازها دارم به بخت کامگارِ خویشتن کامد اندر دست این گنجینه گوهر مرا
شعرِ شورانگیز و می خوانم و بیخود شدم آورد در حالِ وجد این حرف جان پرور مرا
(همو، همان، صص ۲۷-۲۹)

ضیاء شعر سیمین را ”ناله بلبل خونین نوا“ می گوید و آخر قصیده دست به
دعا هست که خدا سیمین را از آفات و بلا نگهدارد.

دکتر محمد حسین تسبیحی (ایرانی)، شاعر و نویسنده فارسی پاکستانی
و مطالب پاکستان شناسی، که کتابدار مرکز تحقیقات ایران و پاکستان در اسلام
آباد نیز بوده است و غیر از آثار گران مایه از وی هنوز فرهنگِ پاکستان را در ایران می
رساند، ضیاء از این نابغه روزگار نیز قدر دانی و تحلیل کرده است. دو تا منظومه
یکی ”خیر مقدم تسبیحی و دوم نذر عقیدت“ سروده است که به عنوان نمونه چند

بیت در زیر درج است:

فاضل نامدار تسبیحی	فخر ایران دیار تسبیحی
خوش سخن، خوش کلام، خوش گفتار	خوش بیان، خوش نگار تسبیحی
نکته دان، نکته سنج، نکته شناس	مرد دانش مدار تسبیحی
از پی کشف گنج های نهان	رنج برده هزار تسبیحی
مخزن علم و معدن هنر است	اندوین روزگار تسبیحی
خوش نصیم ضیا که باشد یار	بامن خاکسار تسبیحی

(همو، همان، صص ۷۰-۷۱)

هیچ شك و تردیدی نیست که ضیاء محمد ضیاء حق فاسی ادا کرده است. این شاعر پُر گویِ معاصرِ پاکستان در سراسر شعر فارسی خودش سخن از فارسی و ایران زده است. مدتی فارسی زبانِ شبه قاره نیز بوده است پس کام و دهنِ شاعرانِ این سرزمین هنوز شیرین اند و این قندِ پارسی را به فرهیختگانِ فارسی منتقل می کنند.

کتاب شناسی و منابع:

- القرآن
- احمد، ظهور الدین (۲۰۰۵م)، پاکستان مین فارسی ادب، ج ۶، مرکز تحقیقاتِ فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد
- اوج، نعت نمبر، ج، دانشکده دولتی شاهده، لاهور
- ضیاء، محمد ضیاء (۱۹۷۰م)، ارمغان عشق، لاهور
- ضیاء، محمد ضیاء (۱۹۷۵م)، کاروان فارسی
- ضیاء، محمد ضیاء (۱۹۷۷م)، نوای شوق، مرکز تحقیقاتِ فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد
- ناصح، محمد مهدی (۱۳۷۴ش) گنج شایگان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران